

علیه نخبه‌گرایی در جامعه‌شناسی

به مناسبت درگذشت علی رضا قلی

محسن آزموده

در سال 1376، همزمان با اوجگیری جنبش اصلاحات و گشایش فضای سیاسی و اجتماعی، بازار نشر رونق گرفت. کتاب‌های زیادی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی ترجمه و منتشر شد. برخی از این آثار به یک‌باره گل کرد و با اقبال بی‌سابقه مواجه شد. «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» نوشته علی رضا قلی یکی از این کتاب‌ها بود، روی جلد آن طرح و نام سه تن از سیاستمداران خوشنام و محبوب ایرانی با سرنوشت‌های تراژیک و غمبار به چشم می‌خورد: قائم‌مقام فراهانی، امیرکبیر و محمد مصدق. کتاب خیلی زود به یکی از آثار پرفروش و پرمخاطب بدل شد. تنها تا سال 1389 کتاب 32 بار چاپ شد، بعد از آن‌هم احتمالاً بارها تجدید چاپ شده است.

کتاب چنان‌که از عنوانش بر می‌آید، در آستانه شروع دوره‌ای دیگر از اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران، می‌کوشید با نگرشی تاریخی، توضیحی برای این مساله بیابد که چرا در دو سده اخیر نخبگان سیاسی ایرانی که تلاش کردند اصلاحاتی صورت بدهند، خود قربانی خواست‌ها و بستر نامساعد اجتماعی شدند. اما نحوه پرداختن به موضوع و شکل رایج مطلب اصلاً نخبه‌گرایانه نبود و زبان و بیان کتاب بسیار روان بود و نویسنده تحلیل‌های خود را با زبانی عامه فهم عرضه کرده بود. علی رضا قلی پیش از آن (1367) کتاب پرمخاطب و جذاب دیگری با عنوان «جامعه‌شناسی خودکامگی: تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش» نوشته و منتشر کرده بود و به واسطه علاقه و آشنایی‌اش با نواندیشان و روشنفکران دینی، در زمانه‌ای که این جریان‌های فکری سکه بازار بودند، چهره و نامی آشنا محسوب می‌شد.

رضا قلی در مقدمه کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» فروتنانه نوشته بود، «این نوشته هرگز ادعایی در کاوش اسنادی و روشن کردن و به دست دادن گوشه‌های تاریک تاریخ ایران را ندارد. کتاب را برای کتابخوان‌های عمومی و دانشجویان دوره لیسانس علاقه‌مند به مسائل امروز و ریشه‌های تاریخی آن نوشته‌ام.» البته بلافاصله یکی از اصلی‌ترین نقاط قوت اثر خودش را که به نظر نگارنده، مهم‌ترین

آنهاست، یعنی «نگاه تحلیل و نو» برجسته کرده بود. به راستی هم کتاب روی یکی از مباحث نو و کمتر توجه شده در تاریخ اجتماعی ایران توجه کرده است؛ نخبه‌کشی. موضوعی که اگرچه رضاقلی تنها به نمونه‌های برجسته آن در 200 سال اخیر پرداخته، اما آشنایان به تاریخ کهن ایران میدانند که نخبه‌کشی سابقه‌ای درازدامن و طولانی در ایران دارد و بسیاری از نخبگان سیاسی و فرهنگی ما از دانشمندان و فیلسوفان و ادبا گرفته تا وزرا و دیوانسالاران برجسته، به شیوه‌هایی دردناک حذف و طرد شده‌اند.

اما مهم‌ترین خصیصه ارزشمند کتاب رضاقلی، پرداختن به مساله‌ای در تاریخ و فرهنگ ایران بود. او که دانش‌آموخته فرانسه بود و قاعدتاً با مباحث جدید جامعه‌شناسی غربی آشنایی داشت، همواره تاکید داشت که باید به مسائل ایران بپردازد و توجه به این مسائل، مستلزم آگاهی گسترده و عمیق از تاریخ و فرهنگ این کشور است و ای بسا با تکیه به نظریاتی که در بستر تاریخی و فرهنگی دیگری زاده شده‌اند، نتوان موضوعات مربوط به جامعه ایران را تحلیل کرد. بر همین اساس او تاکید ویژه‌ای بر تاریخ داشت و تحلیل خود درباره نخبه‌کشی را با بحثی درباره ویژگی‌های فرهنگ اقتصادی ایران آغاز کرد و نوشت: «با کمی اغماض می‌توان گفت که تمامی مشکلات اقتصادی- سیاسی- اجتماعی ایران و آنچه در مجموع عقب‌ماندگی نام گرفته است، ریشه‌های تاریخی دارند و رفع یا تخفیف آن مشکلات هم بدون مراجعه به ریشه‌های تاریخی و شناخت دقیق آنها به احتمال زیاد غیرممکن است.»

دیگر نکته حائز اهمیت کتاب رضاقلی، چنان که بالاتر به اختصار اشاره شد، زبان و بیان روان و گویای آن است که خود ریشه در آشنایی عمیق و گسترده او با زبان فارسی و آثار غنی نویسندگان و شاعران گذشته ایران از فردوسی و بیهقی گرفته تا سعدی و حافظ دارد. به عبارت دیگر علی رضاقلی اگرچه جامعه‌شناسی را در سوربن خوانده، اما شناخت گسترده‌ای از تاریخ و ادبیات ایران داشت و به نوشته‌ها و مکتوبات بزرگانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، عطاملک جوینی، خاقانی، قابوس بن وشمگیر مسلط بود. به همین علت زبان و بیان او فارغ از پیچیدگی‌ها و اطناب‌های رایج دانش‌آموختگان علوم انسانی جدید است و هر فارسی‌زبان باسوادی می‌تواند نوشته‌های او را به راحتی بخواند و دریابد.

نتیجه آنکه آثار معدود و انگشت‌شمار علی رضاقلی، به‌رغم بی‌ادعایی و سادگی ظاهری، مخاطبانی بسیار پیدا کرد و طیف وسیعی از علاقه‌مندان به مباحث علوم اجتماعی را جذب کرد. دستاوردی کم‌نظیر در مقایسه با انبوه کتاب‌ها و پژوهش‌های ایرانی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی. به تعبیر دقیق‌تر، عمده آثار پژوهشگران رشته‌های گوناگون علوم

انسانی، ویژگی‌های مذکور را ندارند، یعنی اولاً به ندرت واجد يك چشم‌انداز نو و نگاه جدید هستند، ثانياً و مهم‌تر اینکه کمتر به مسائل ایران می‌پردازند و بیشتر حکم ترجمه نظریه‌ها را ندارند و ثالثاً و در نهایت اینکه زبان و بیانی مغلق، انتزاعی و غیرقابل فهم (و ترجمه‌ای) دارند. در نتیجه تنها از سوی شماری از نخبگان این حوزه‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرند، اگرچه ممکن است در مقایسه با آثاری چون «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» از نظر روش‌شناسی یا کار پژوهشی بسیار غنی‌تر باشند و زمان و تلاش بیشتری برای آنها صرف شده باشد.

منبع: روزنامه اعتماد 17 فروردین 1401 خورشیدی